

اینست پاسخ خلق ما به مانورهای آمریکا:

ایران را گورستان امپریالیسم خواهیم کرد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

دوشنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۵۸ - شماره ۵ - ۵ ریال

زیگراگهای ضد انقلاب و انعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب

تطابق با شرایط موجود، باید تئوریزی مذهبی و موقعیت‌وا‌توریت‌ه رهبر-
ان مذهبی جناح خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتری هیئت‌حاکمه بتواند ان-
اری کار را زوسیماً بکار افتاد. ابزاری که موقتاً تلاطم و از هم گسیختگی
نظم ضد خلقی درون ارتش و بازاری آنرا در مرکوب توده‌های کردباکک
اشوریت‌مذهبی و توهم وسیع توده‌ها حل می‌کند. ناجائی که آیت‌الله
خمینی فرمانده کل قوا شد و سیاه با ساداران این ارگان مرکوب نوپا

حاضر اینجا مقدماً و بطور اجمالی به بررسی دلایل بروز گرایش‌ها
راست و "چپ" در جنبش کمونیستی ایران در دوره اخیر پرداخته و در
مقالات آینده این گرایش‌ها و حاصلین آنها را بطور مفصّل مورد نقد و
بررسی قرار خواهیم داد.

"لنین اغلب می‌گفت که بسیار دشوار است مسئله‌ای را با جساق و
مشقت به انقلابیون تحمیل کرد ولی گاهی بسیار آسان می‌توان با
جرب‌زبانی آنان را جذب کرد. رفقاه! این حقیقت لنینی را نباید هرگز
فراموش کرد." (چشم‌انداز انقلاب در چین - استالین)

● دفاع از منطبقه سرمایه در مناسبات سرمایه‌داری وابسته و دفاع
ناگزیر از اساس سیستم موجود، تدویم تناقضات همین سیستم‌گنبدیده
را در پی خواهد داشت که لزوماً بحران اقتصادی، سیاسی و مبارزات
طبقه‌ای در جامعه را حادث کرده و هیئت‌حاکمه را ناگزیر از رودر-
روشی و سرکوبگرانه با توده‌ها خواهد ساخت.

بحران انقلابی جامعه ما همچنان ادامه دارد. رژیم جمهوری
اطلامی ایران نه می‌خواهد و نه می‌تواند زمینه‌های مادی آن بحران
اقتصادی-سیاسی ای را که در یک دوره منجر به سقوط رژیم شاهنشاهی
ایران شد، از زمین برده و بخواست ابتدائی و حداقل زحمتکشان یعنی
نایب‌بودی سرمایه‌داری وابسته و قطع وابستگی از امپریالیسم، تا مبنی
آزادبیمای دمکراتیک و رفاه عمومی جواب گوید. این رژیم‌پنه‌تنها خواهان
آن نیست که توده‌های خلق بر سر نوشت خویش حاکم شوند، بلکه بر عکس
تشیب سلطه خویش را در ادامه سلطه سرمایه‌داری و لزوماً وابستگی با مبر-
با لیسم و استعمار سرمایه‌داران وابسته از زحمتکشان و استعمار منابع
عالمی ما میدانند. اما این خواستن، توانستن نیست. از آنجا که ایمن
رژیم قادر نیست علیرغم توهما توده‌ها در باره "الوهیت آن کسه
منجر به خوشبختی و رفاه نسبت به وعده‌های سر با ریاکارانه‌اش در مورد
آزادی، استقلال و رفاه عمومی میشود. حتی موقتاً به ابتدائی ترین خواست
توده‌ها جواب گوید. چرا که دفاع از منطبقه سرمایه در مناسبات سرمایه
داری وابسته و دفاع ناگزیر از اساس سیستم موجود، تدویم تناقضات
همین سیستم گنبدیده را در پی خواهد داشت که لزوماً بحران اقتصادی -
سیاسی و مبارزات طبقه‌ای در جامعه را حادث کرده و هیئت‌حاکمه را نا-
گزیر از رودرروشی و سرکوبگرانه با توده‌ها خواهد ساخت. و بهمین
اعتبار نیز این رژیم قادر نیست علیرغم "وحدت کلمه" ادعائی خود
تضادهای درونی جناحهای مختلف هیئت‌حاکمه را تخفیف داده و در مقابل فشار
توده‌ها مدعای موجود آورد، و هرگز قادر نخواهد بود که حاکمیت ضد
خلق و ارتجاعی خویش را بر توده‌ها تثبیت نماید.

تحت فریب بورژوازی و با استفاده از توهمات وسیع توده‌های خرده -
بورژوا بیگناهی بکردستان فرستاده شدند. ولی مقاومت قهرمان -
نایب خلق کرد و افتخاری وسیع نیروهای مبارز از جناب‌ها هیئت‌حاکمه
و برناح‌های ضد خلقی اش، هیئت‌حاکمه را با شکست سیاسی و نظامی
روبرو ساخت، توهم توده‌ها پیش از پیش فرو سر ریخت تا جاییکه حتی
موقعیت جناح خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتری هیئت‌حاکمه و خمینی نیز
شدیداً زیر سؤال قرار گرفت
شبهه سرکوب و خفقان که موقتاً توده‌های خلق را با عتبار توهم
و خوشبختی شان از دیدن باعث و بانی بدبختیهای کنونی شان - یعنی
رژیم جمهوری اسلامی - منحرف کرده و به حمایت جنگی غیرعادلانه کشانده
بود، منسوخ و از میان برداشته و به خود تبدیل شد. توده‌های خلق شروع سردر
این موضوع کردند که فریب‌خورده‌اند و رژیم‌پس که به آنها وعده
بهشت در زمین و در آسمان داده است بجز جهنم قتل و غارت و فقر و سیه -
روزی چیزی با رضای آنها نیاورده است.

شکست تاکتیکی سرکوب، تضادهای اساسی موقعیت هیئت‌حاکمه و
بیشرفت و حوققیتهای جنبش توده‌ای هیئت‌حاکمه را ناگزیر از تغییر
تاکتیکی نمود.
این جناح خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتری و نماینده معتبر آن آیت -
الله خمینی بود که بدلیل شرایط منحصّ کنونی و بحران سیاسی جامعه
میتوانست در نقش متحرک و طالع مشکل هیئت‌حاکمه جلوه‌گر شود تا از فرو-
ریزی فزاینده توهم توده‌ها و اشرفاد هیئت‌حاکمه جلوگیری کند.
جناح خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتری ضد انقلابی پس از آنها مقابل
با پیشرفت و سرکوب مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌ها
"مبارزه ضد امپریالیستی" خود را در چارچوب حفظ هیئت‌حاکمه شروع
میکند و خود را "پیشاپیش" مبارزه ضد امپریالیستی خلق می‌نامد.
بدینگونه است که آیت‌الله خمینی فرمان فتح لانه جاسوسی آمریکا
را صادر می‌کند و با زیرگیری شاه خاش و محاکمه او محور اصلی مبارزه
دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌ها قلمداد می‌گردد. تعدادی از عناصر
برجسته هیئت‌حاکمه که خبا نشان برای توده‌ها کلاشکار شده، از
مواضع حاسنی قبلی برکنار میشوند و به پست‌های دیگری در هیئت‌حاکمه
گمارده میشوند که تغییراتی جزئی در کار در همان هیئت‌حاکمه با حفظ
همان ماهیت ضد خلقی و ضد انقلابی می‌باشد.

در واقع فشار را زبانه‌ها، امروزه بیش از هر وقت دیگر با لایه‌های
جان یکدیگر انداخته است. آنها هر یک میکوشند ریاکارانه با انداختن
"تقصیر" بگردن دیگری، آب تپه بر سر گناهان خویش ریخته و بدینگونه
با تضعیف جناحهای دیگر هیئت‌حاکمه، سهم بیشتری از قدرت را بدست
آورند. آنها علیرغم آنکه همگی در مقابل و جلوگیری از رشد انقلاب
منافع مشترک دارند، ولی هر کدام بدنبال "راه‌حلهای خاص خودی -
گردند. اما راه‌حلهای تمام آنها برای توده‌ها بجز سرکوب و خفقان و با
فریب و تیرنگ هدف دیگری ندارد.

چندماه بعد از قیام، با تدویم بحران انقلابی جامعه یکبار هیئت
حاکمه در نتیجه تضادهای اساسی موقعیت اش برای تثبیت مواضع
سیاسی اقتصادی خود یعنی حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته و تسلط
جناحیت به اتخاذ شیوه سرکوب دست زد. بالطبع برای اجرای این شیوه
وسایط ضد خلقی درست چندماه بعد از قیام توده‌ای بهمین ماه، در

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

چ راه مطمئن تری برای غلبه بر یکجا شبه‌نگری و توهنات با نهم. بهترین‌ترنگا‌هی عمومی به‌گذشته انقلاب نیست.



بورژوا دمکراتیک و مدام مهربا لیستی اخیر خلق‌های ایران تا ه رابست سرگذاشته و مدتی است که وارد سومین دوره است.

دوره اول:

این دوره با آغاز انقلابی در اوایل سال ۵۵ و بخصوص پس از جنبش مقاومت مردم خارج از محدود در تابستان ۵۶ شروع میگردد. ناراضی‌های و اعتراض خشم آگین و مستکشان در پاشین، با لایحه‌ها راجعاً هم می اندازد: جناح‌های مختلف هیئت حاکمه برای سرکوب جنبش و همچنین برای اینکه هر کدام با استفاده از این واقعه سیاست خود را بردیگری تحصیل کرده و سهم بیشتری از قدرت را بدست آورند. راه‌های خاصی خود را ارائه میدهند. همین گشکنش راه را برای نفوذ و رشد بیشتر جنبش انقلابی باز میکند. روشنگران انقلابی و در پیشانی‌های آنها دانشجویان انقلابی که از بقیه‌ها حس‌ترند، امتحان انقلابی را احساس کرده و تظاهرات خود را به خیابان‌ها میکشاند. رژیم‌ها موج عظیمی از تظاهرات توده‌ای رو به رو میشوند.

اما از همان ابتدا شاهد تظاهرات هر روز گسترده‌تری هستیم که میکوشند جنبش توده‌ای را لگام زده و آترابه مجرای خواسته‌های محدود و "قانونی" خود بکشاند. بورژوازی لیبرال (بورژوازی متوسط غیر وابسته) ایران که بدلیل موقعیت اقتصادی و سیاسی اش در مسائات سرما به دارای وابسته و این الزام که به نسبت از مقننات سرما به متوسط (درمانا - مسائات سرما به دارای وابسته) شدیداً مدافع سلطه سرما به و نظماً سرما به - دارای است و حداکثر خواهان تبدیل فشارها را نصرات و سرما به - های امپریالیستی است، قدرت آن را اندر آنکه فدا مهربا لیست باشد. لذا میکوشند مضمون فدا مهربا لیستی - فدرما به دارای وابسته مبارزه توده‌ها را محدود کرده و آنرا در مبارزه با دیکتاتور فردی شاه علامه نماید. رویزیونیست‌های خاص حزب توده نیز با این انگا و خیانت‌پرسان بورژوازی لیبرال را شورویزه کرده و به پراکندن ترهات و خباثت‌کارانه رویزیونیستی میپردازند. اما به تانسبیل انقلابی جنبش خلق بسیار قوی‌تر از آنست که در این چارچوب تنگ و خاشنا محدود بماند. جنبش توده‌ای هر روز فرا تر می‌رود و در واقع، قهر ۱۹۱۹ تبدیل به رودررویی آشکارا رژیم میگردد. از این زمان ما شاهد تظاهرات هر روز گسترده‌تر دیگری هستیم که سعی میکنند تا رهبری خود را بر جنبش انقلابی تا مین کرده و این جنبش را به زیر پرچم خود آورد. خرده بورژوازی مرفه سنتی و در رأس آن روحانیون و وابسته به عینی میکوشند تا ارتش سیاسی خود را گرد آورند. "چهلیم‌های" معروف، هر یک متعاقب دیگری، خلق را دسته‌دسته بسوی این رهبری جدید می‌خوانند. در اوایل سال ۵۷ دیگر به عقب‌نشینی نمیتوان گفت که این رهبری بر جنبش تا مین شده است. خرده بورژوازی مرفه سنتی علیرغم آنکه از انقلاب و رشد آن حمایت میکند، ولی بدلیل خاشا ثل طبقاتی اش نمیتواند با این رشد تظاهراتی نداشته باشد. این نیروی علیرغم آنکه تا پایان دوره اول انقلاب در مجموع به انقلاب وفادار مانده و با به پای آن به جلو می‌رود، ولی بدلیل فقدان حزب پرولتاریائی نمیتواند بسوی بورژوازی لیبرال خباثت‌پیشه نزدیک نشده و تحت تاثیر آن قرار نگیرد. با کشتار خلق در ۱۷ شهریور ۵۷ اعتلا انقلابی به موقعیت انقلابی بدل میگردد. دیگر با لایحه‌ها نمیتوانند به شیوه سابق حکومت کنند و با شیئی‌ها نیز نمیتوانند به شیوه سابق زندگی کنند. قانون لیستی "موقعیت انقلابی" خود را در مسائت خویش نشان میدهد و شمارش سرنگونی رژیم شاه بصورت یک شامه رعیلی روز در میان و شرایط، آرام آرام برای روزی که این شمارها به بصورت یک عمل فوری درآید، آماده میشود. با شروع با شیز ۵۷ ما با جنبش اعتمایی عظیم کارگران رو به رو هستیم. در برابر حکومت نظامی این مشت آهنین کارگران است که در صف مقدم خلق دیده میشود. اعتمایات سیاسی توده‌ای به پشته عمق و گسترش بیشتری می‌یابد و جنبش عمیق تر میگردد.

اما تا کتیک جدید هیئت حاکمه نه تنها بعضی از جناح‌های آنرا مقابل جناح‌های دیگر قرار میدهد، بلکه در جنبش انقلابی نیز تشریح بوجود آورده و به رشد اختلافات در درون این جنبش کمک میکند. بقول لنین: "یکی از علل بی نهایت مهم که باعث اختلافات بین اعضا جنبش کارگری میشود، عوی شدن تا کتیک‌های طبقات حاکمه بطوراع و بورژوازی بطور خاص میباشد. اگر تا کتیک‌های بورژوازی همیشه یک و با حداقل شبیه بهم بود، طبقه کارگر بصورت می‌آموخت که بدانند با تا کتیک‌های همیشه یکسان و با مشابه پاسخ گوید. ولی در حقیقت بورژوازی در تمام کشورها با لاجرا رد سیستم فرمانروائی، و در توسعه شیوه مبارزه را برای منافع خود و حفظ فرمانروائی بر میگزیند. و این شیوه‌ها گاهی با هم تمویض میشوند و گاهی هم بصورت‌های مختلف درهم ادغام میشوند. این شیوه‌ها بقرار زیر هستند: اولاً شیوه زور - شیوه‌ای که دادن هرگونه امتیازی را به جنبش کارگری رد میکند، شیوه‌ای که از تمام مسائت کمه و قدیمی حمایت میکند، شیوه رد کردن آشتی نا پذیر هرگونه فرم (۰۰۰) شیوه دوم، شیوه لیبرال - لیسم است که در جهت توسعه حقوق سیاسی، در جهت فرم امتیازات و غیره قدم برمیدارد. (اختلافات درون جنبش کارگری - لنین) لنین تا شیر این تمویض تا کتیک بورژوازی را در جنبش کارگری آلمان چنین ارزیابی میکند:

" هنگامیکه شیوه زور در آلمان غالب شد، انعکاس یکجا نه این سیستم (۰۰۰) رشد نسبی لیسم آنرا ریشیتی بود. (۰۰۰) هنگامیکه در سال ۱۸۹۰ تغییر در جهت امتیازات "بقوع پیوست ثابت شد که این تغییر همچنان که همیشه هم چنین بوده است، برای جنبش کارگری خطرناکتر است و منجر به انعکاس یکجا نه "رفر - میسم" بورژوازی شد: اپورتونیسم در جنبش کارگری. (بسنقل از "اختلافات درون جنبش کارگری" - لنین)

تصادفی نیست که پس از تغییر تا کتیک هیئت حاکمه از سرکوب به نوعی لیبرالیسم، از آشتی کمونیسم آشکار به جمله پردازی "فدا مهربا لیستی" ما شاهد بروز انواع گرایش‌ها راست و رویزیونیستی در درون جنبش انقلابی و کمونیستی هستیم. تمام این گرایش‌ها - کوشند تا این تغییر تا کتیک را به چیزی چون "کودتای خرده بورژوازی فدا مهربا لیست علیه بورژوازی لیبرال" و یا "بازگشت امام به خط خود" نمایش دهند. اما در واقع این نظریات و مواضع اپورتونیستی جدید چیزی نیست جز انعکاس یکجا نه تا کتیک جدید "فدا مهربا لیستی" هیئت حاکمه امیری که نباید غیر منتظره باشد چرا که بقول لنین:

" هر مسئله‌ای که تا حدی تاریکی داشته باشد و هر تغییر در حوادث که کمی غیر منتظره و پیش بینی نشده باشد و لول فقط سرعوی و بسراوی مدت‌ها ملاکوتای منی اصلی تکامل را تغییر داده باشد تا گزیر و همیشه موجب پیدا بش انواع مختلف رویزیونیسم خواهد گردید" این گرایش‌ها توم زده امروزه میکوشند تا به اسم پشتیبانی از با صلاح مبارزه فدا مهربا لیستی خمینی و جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی در هیئت حاکمه، آب بر آتش مبارزات دمکراتیک و فدا مهربا لیستی خلق‌ها، زحمتکشان و طبقه کارگر بکنند و با سم شرکت در این مبارزه با صلاح فدا مهربا لیستی جناحی از هیئت حاکمه، توده‌ها را از مبارزه با پایگاه واقعی و طبیعی امپریالیسم یعنی ارتجاع داخلی باز دارند و توم‌های انقلاب و فدا انقلاب را مخدوش می‌کنند.

اینها همانگونه که گرایش‌ها انحرافی دیروز مبارزه علیه سرمایه داری و وابسته و در رأس آن با ندم زور شاه را تحت عنوان "مبارزه" برد دیکتاتور شاه " از مبارزه فدا مهربا لیستی جدا میکردند امروزه مبارزه فدا مهربا لیستی را از مبارزه با ارتجاع داخلی و فدا انقلاب جدا کرده و با پشتیبانی از خرده بورژوازی مرفه سنتی که ماسهاست به صف فدا انقلاب پیوسته و طی ماسهای گذشته همراه با بورژوازی ضد خلقی در سرگویی انقلاب و توده‌ها از هیچ اقدامی فروگذار نکرده و هم اکنون جزئی از هیئت حاکمه است، انتظار مبارزه انقلابی و فدا مهربا لیستی را دارند.

اما با پراستی "هیئت حاکمه قطعی و با بخشی از آن یعنی جناح خرده - بورژوازی مرفه سنتی نمیتواند فدا مهربا لیست باشد" برای پاسخ با این

خلق‌های می‌روزمند ، امپریالیسم می‌لرزد

کاملاً در صف خود آورده و با استفاده از قدرت مادی و نفوذ معنوی این جناح بر مردم، قدرت سوم یعنی قدرت شوراها را خلقی را بنا برده است و همچنین از فعالیت آزادانه ما زمانهای توده‌ای کارگران و دهقانان و... در تمام نقاط ایران جلوگیری نماید. این گشایش آنقدر ادا می‌یابد تا به استحاله قدرت سیاسی خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی در قدرت لبرالها و کمپرا دورها می‌انجامد. در طی این روند، خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی، که از صف انقلاب رویگردان شده اما هنوز به صف جدا انقلاب

● شکست سیاسی نظامی رژیم جمهوری اسلامی ایران در کردستان، ضربه‌ای قطعی بر پایه مادی این حکومت یعنی توهما توده‌ها وارد می‌آورد. رشد ناراضی‌ها، اعتصاب‌ها، تحصن‌ها، تظاهرات، تصرفات خلقی و نظائر آن در تمام ایران، شکسته شدن این توهما را نشان می‌دهد. در این لحظات است که هیئت حاکمه ایران در مجموع خود، ولی به ابتکار عمل جناح خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی می‌کوشد تا با یک تغییر در تاکتیک گریبان خود را از دست بحران که می‌رود تا او را به سرنویس سلف خود دچار سازد خلاصی نماید.

سبب سوسه است. عملکردهای انقلابی و عدالت‌گرای خویش را در کنار یکدیگر شما بس میگردارید! عدام ما و اکتها و سران رژیم شاه یک حرکت طبیعی انقلابی است خرده‌بورژوازی-کارگران و رزقا رود ز حال سقوط است که از حمایت کمونیستها و توده‌ها برخوردار میگردید و طی همین مدت منازعات، تحصنات و... کارگران و سوده‌ها را سبب زده و سرکوب می‌کنند.

دوره سوم

سرار لفسی "شورای انقلاب" در "دولت"، بنیوتن قطعی و نام و تمام خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی برای یک دوره به صف جدا انقلاب شروع می‌گردد. ارفلسو اس دوارگان قدرت سیاسی، یک ارگان قدرت واحد معنی هیئت حاکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران بوجود می‌آید که در اس آن لبرالهای خود فروخته فرار دارند. معنی لبرالهای حاش قدرت رسیده‌ای که محور هستند تبدیل بسوسیتهای طبقه نشین با سبب سرمایه‌داری وابسته و امیرالیم بنا بر صورت با یک گاد حددا امیرالیم و صورت ارتجاع داخلی حامی آن درآیند. سیاستهای اس سرور ارتجاعی و هانت بسبب است که سیاستهای عمومی اس هیئت حاکمه را تعیین می‌کند و علیرغم آنکه ما بس جناحهای مختلف اس هیئت حاکمه، جناح خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی، بورژوازی لبرال (که بسجاً مرتجع شده) و بخش غیر سرور و کرات کمپرا دورهای سابق اختلافاتی وجود دارد، ولی اس اختلافات در کار هیئت حاکمه و در چارچوب سیاست عمومی حاکم بر آن است. آنها تماماً در سرکوب انقلاب و جلوگیری از رشد آن اشتراک منافع دارند. بدینگونه هیئت حاکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران، نه‌جا محو حشابه، خود را به خلق قهرمان کرد شروع کرده، و سلا استفاده از نفوذ و ریاستی خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی و در اس آن خمینی بر توده‌ها، لشکرکی قرون وسطایی خود را برای سرکوب قدرت سوم یعنی شوراها و خلقی و همچنین سرکوب زمانهای توده‌ای کارگران، زحمت‌کشان و دیگر اقشار دموکرات خلق شروع می‌کنند.

شکست سیاسی نظامی رژیم جمهوری اسلامی ایران در کردستان، ضربه‌ای قطعی بر پایه مادی این حکومت یعنی توهما توده‌ها وارد می‌آورد. رشد ناراضی‌ها، اعتصاب‌ها، تحصن‌ها، تظاهرات، تصرفات خلقی و نظائر آن در تمام ایران، شکسته شدن این توهما را نشان می‌دهد. در این لحظات است که هیئت حاکمه ایران در مجموع خود، ولی به ابتکار عمل جناح خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی می‌کوشد تا با یک تغییر در تاکتیک گریبان خود را از دست بحران که می‌رود تا او را سرنویس سلف خود دچار سازد خلاصی نماید. فرمان فتح "لانه سوسی" امیرالیم آمریکا توسط خمینی داده می‌شود و جلادان خلق کرد بصورت جمله‌پردازان الفاظ جدا امیرالیمستی و انقلابی درمی‌آیند. هیئت حاکمه‌ای کسسه مجبور است برای بقای حاکمیت خود، به اجبای سیستم سرمایه‌داری وابسته بپردازد، اینک می‌کوشد تا برای تامین منافع دراز مدت خود با توجه به مضمون عمیق جدا امیرالیمستی چنین دموکراتیک توده‌ها خود را با منازعات توده‌ها هماهنگ نشان داده و موقتاً توده‌ها را بر ضد امیرالیم آمریکا که شاه‌خاشن را بناه داده برای تحویل شاه‌خاشن بشورانند تا تا بد خود را و سیستم سرمایه‌داری وابسته را از دست بحران که می‌رود تا تمام دشمنان انقلاب را در خود بسوزاند، خلاصی کنند.

با وجود آنکه هیچکدام از تغییرات کتیکهای هیئت حاکمه نمیتوانند جنبش خلق را از جلورفتن با زدا رد و حتی بسیوتن آنکار و تمام عیار بخشی از بورژوازی لبرال خیانت پیشه، به امیرالیم و ارتجاع (کا بسبب بختیار) و کنا رگذاشتن شاه‌خاشن از طرف امیرالیم نمیتوانند بسبب ضد خلقی را از مرگ محتوم نجات بخشند، ولی در شرایط فقدان حشوب پرولتاریا، یعنی حزب تنها طبقه‌ای که در عصر امیرالیم میتواند با بد انقلابات دمکراتیک را رهبری نماید، خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی بسوا - ط بورژوازی لبرال بدام امیرالیمستها افتاده و می‌رود تا سلازش تاریخی خویش را با صدا انقلاب و ارتجاع عملی سازد. بدسبال اعلام تشکیل دولت با زرگان و ادا مه مذاکرات بین نمایندگان آیت‌الله خمینی (با زرگان، بهشتی و...) و نمایندگان امیرالیم و ارتجاع (۱) و حکم خمینی معنی برای نیکنه ارتش، از آن ملت است و ملت از آن ارتش در شرایطی که ارتش ضد خلقی شاه‌خاشن است همیشه در حال از هم فروپاشیدن است و سربازان گروه گروه به خلق می‌پیوندند. جلوگیری از مجازات ساواکیها و خاشن بدست توده‌های خلق که با بد معانات مالحه با بس کار رسیدگی کنند، نشانه‌های آغاز اس سازش تاریخی و آغاز حرکت خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی بسبب بسیوتن به حشبه صدا انقلاب است.

اما فاسم تاریخی بهمن ماه، زمان اس سازش تاریخی را بسبب انداخته و موقتاً از بسیوتن خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی و در اس آن خمینی بسبب صدا انقلاب جلوگیری می‌نماید. قدرت توده‌ها، رهبران سبب و سبب و راکه از بی‌تاسیل روز افزون حشبت خلق و زحمتکشان بهراس امنا ده و خواستار سازش با ارتجاع و امیرالیم هستند. موقتاً در صف انقلاب نگاه می‌دارد.

دوره دوم

اس دوره که با تزلزل آنکار خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی از صف انقلاب به صف جدا انقلاب و حرکات نوسانی آن آغاز می‌گردد، بس اس تمام بهمن ماه و بس وجود آمدن قدرتهای دوگانه، دولت لبرالها و کمپرا دورها و ارگانهای خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی ("شورای انقلاب" و "کمیته‌های امام و...") حطت و بسبب خود را نمایش می‌دهد: اس دوران، دوران قدرت دوگانه است. دورانی که تا لفسی شورای انقلاب در دولت در هشت ماهه ادامه می‌یابد. در اس دوران ما تا حد حاکمیت دو قدرت سیاسی جداگانه در اکثر نقاط ایران، و همچنین تا حد تولد و رشد قدرت سوم، یعنی قدرت شوراها و خلقی در کردستان، ترکمن صحرا و... هستیم که ما تا تحت هژمونی خرده‌بورژوازی رادیکال و دمکرات قرار دارد، اما نمیتواند دمکراتی راهی مناطق، قدرت خود را حفظ و تثبیت کند. قدرت اول، یعنی دولت لبرالها و کمپرا دورها می‌کوشد تا بسبب اقتصادی - سیاسی سرمایه‌داری وابسته را که در طول انقلاب آسب دیده است با ساززی کرده و قدرت دوم یعنی خرده‌بورژوازی مرفه‌سنتی را

(۱) - آیت‌الله خمینی در سخنان دیروز خود قویاً از حصول یک راه حل مسالمت‌آمیز برای بحران ایران، طرفداری کرده است همچنین بختیار به خبرنگاران غیر گزرازی فرانسه گفت: تما سبب با طرفداران آیت‌الله برقرار شده و راه مذاکره احتمالی کماکان باز است. (روزنامه کیهان ۱۵ بهمن ماه، بنقل از آوشیتیدیس) ("نقل از پیکا شماره ۸) ■ "مریکا با بد آیت‌الله همکاری کند تا نظراتش را که دهها سال است برای آن مبارزه سختی نا پذیر نموده است جا مه، عمل بسیوتنند. آمریکا می‌تواند افسران ارتش ایران را که ممکن است به بهانه عدم مداخله ارتش در سیاست در همان موضع قبلی بمانند تشویق به سازش با خمینی بنماید." (گفتار رجیمزبل، کارشناس کاخ سفید در ۱۶ بهمن ماه)

■ روز ۱۹ بهمن ماه روزنامه‌ها اعلام میکنند که با زرگان در حال "مذاکرات مهمی" با بختیار و سران ارتش هستند. و در همین روز قسره - با غی در نطقی خطاب به نمایان اعلام میکنند که "ارتش نباید در سیاست دخالت کند." که بدون شک اعلام اس موضع نشان از وجود توا فقها شی در پشت پرده مذاکرات داشت. (پیکا شماره ۸). ■ اعترافات فرماده، نیروی هوایی ربیعی معدوم در دادگاه انقلاب اسلامی در مورد مذاکراتش با بهشتی و... که در همان اسام در روزنامه‌ها درج شد.

گرایش‌های راست و "چپ" در سه دوره انقلاب

در هر یک از این سه دوره انقلاب دموکراتیک و فدا مبریا لیستی امیر خلیق‌های ایران، مادر درون جنبش کمونیستی ایران مواجه با گرایش‌های راست و "چپی" بوده‌اند که با تاثیرات سو خود بر شد انقلاب و صدمات زیادی زده‌اند.

فرموله‌کننده گرایش‌های راست درون جنبش کمونیستی ما، رویزیو نیستند، این را ندهندگان از جنبش کمونیستی و در رأس آن دو قطب رویزیونیستی یعنی از یک طرف رویزیونیست‌های خائن غروچفسکی به رهبری کمیته مرکزی حزب توده و در طرف دیگر رویزیونیست‌های خائنین سه‌جانبی به رهبری دارودسته "سازمان انقلابی و شرکا" می‌باشند. این قطب‌های رویزیونیستی با ارائه تخریب‌های انحرافی و خیانت‌پیشه، جنبش کمونیستی ما را که بدلیل فقدان حزب کمونیست نسبت به انحرافات راست و "چپ" آسیب‌پذیر می‌باشد، مورد حمله قرار می‌دهند. آنها هر کدام بزبان وسیع خود، به نفی انقلاب، به نفی هژمونی پرولتاریا بر انقلابات دموکراتیک در عصر امپریالیسم، و به تبلیغ دنباله‌روی پرولتاریا و کمونیست‌ها از نیروهای غیر پرولتری و قسماً ارتجاعی و ضد خلقی می‌رسند. این است سرچشمه خیانت‌پیشگی و ارتداد رویزیونیست‌ها. رویزیونیست‌های غروچفسکی تمام تخریب‌ها و سارتم‌ها را بر خود را که در نهایت بی‌نتیجه خاموشی انقلاب و سارتم خلق‌ها به زیر سیوغ امپریالیسم و خصوصاً سوسال امپریالیسم روس تمام می‌شود، در تتر "راه رشد غیر سرمایه‌داری" گرد آورده‌اند. این تزمانش تا موصلاً تمام می‌آرزوهای خائنین و سارتم‌ها را بر آنهاست. بر طبق این تزارتجاعی در عصر امپریالیسم، مسئله سرکردگی پرولتاریا و حزب او بر انقلاب دموکراتیک ضرورت نداشته، و انقلاب دموکراتیک میتواند پیروز مندانه با رهبری دیگر اقشار خلقی مثل بورژوازی ملی و خرده بورژوازی انجام گرفته و با کمک و مساعدت سوسال امپریالیسم شوروی حتی به سوسالیسم گذر نماید. بدین گونه رویزیونیست‌های غروچفسکی به احزاب و سازمان‌های کمونیست و پرولتاریای تمام کشورهای در دست توصله می‌کنند که هژمونی این اقشار و طبقات غیر پرولتری را بر انقلاب پذیرفته و سارتم‌های طبقه‌ای با آنها بر اوج گرفتن تزار انقلابی توده‌ها، لگام بگذازند. میدانیم که برخلاف تخریب‌های رویزیونیستی، در عصر امپریالیسم هیچ انقلاب دموکراتیکی، هر چند هم که دموکراتیک باشد و هر قدر هم که نیروی رهبری کننده آن را دیکتاتور و نزدیک به پرولتاریا باشد نمی‌تواند پیروز گردد، مگر آنکه با رهبری پرولتاریا انجام گرفته و انقلاب دموکراتیک را مقدمه‌ای برای انقلاب سوسالیستی نماید. بنا بر تعلیمات لنین و استالین، انقلابات ملی و دموکراتیک خلق‌های تحت سلطه امپریالیسم، جزئی از انقلاب جهانی پرولتاریا می‌شود، و از آن جا که این خلق‌ها در مقابل ارتجاع جهانی، یعنی امپریالیسم قرار دارند، متحد طبیعی پرولتاریا و ذخیره آن بحساب می‌آیند. ارتجاع داخلی این کشورها، خواه فئودال‌ها، خواه کمپرادورها، تماماً به ارتجاع جهانی یعنی امپریالیسم تکیه داشته، و خلق‌های این کشورها نمی‌توانند خود را از دست این ارتجاع نجات بخشند، مگر آنکه به تخریب نیروی که از نظر تاریخی قادر است امپریالیسم و سرمایه‌داری انحصاری را از میان بردارد یعنی پرولتاریا تکیه کرده و تحت رهبری و هژمونی آن درآیند.

بنا بر همین تزارتجاعی "راه رشد غیر سرمایه‌داری" بود که رویزیونیست‌های خائن حزب توده از همان ابتدای اعتلا انقلابی توده‌ها، کمونیست‌ها و پرولتاریا و تمام جنبش انقلابی خلق را به سارتم‌ها جناح‌های عاقل تر بورژوازی کمپرادور، و پس از آن اعتبار شدن تا موصلاً تمام این طبقه در نزد توده‌ها و فرار شدن "موقعیت انقلابی" به سارتم‌ها بورژوازی لیبرال خیانت‌پیشه که معرکه گردان رژیم و سرکشته‌ها شده بود (کابینه بختیار) و پس از روی کار آمدن رژیم جدید، بدو سارتم دنباله روی از دولت لیبرال‌ها و کمپرادورها و بعداً به دنباله روی از خرده بورژوازی "ضد امپریالیست" یعنی همان خرده بورژوازی مرفه‌نستی سازشکار دعوت کرده و بدین وسیله در هر قدم کوشیدند تا بر جنبش انقلابی خلق ما لگام زده و آن را عقب‌کشانند. این

است استراتژی خیانت حزب توده به انقلاب ایران. متأسفانه از این قطب رویزیونیستی، ما همین گرایش رویزیونیستی را در سازمان چریک‌های فدائی خلق مشاهده می‌کنیم. گرایش به راست چریک‌های فدائی، که در دوران اول انقلاب اساساً به سبب پیش‌بینی "تمام خلقی" چریکی آنها بود، در هر قدم آغشته به گرایش‌های رویزیونیستی شده و نزدیک تر به این ورطه هولناک می‌گشت. در دوران اول، هنگامی که ضرورت داشت کمونیست‌ها به افشا و طرد بورژوازی لیبرال و سارتم‌های آن می‌پرداختند، چریک‌های فدائی ظلمدار میا رزه‌ها دیکتاتور و دنباله‌رو "جبهه واحد دیکتاتور" حزب توده بودند. بدینگونه آنها عملاً مسئله هژمونی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک را نفی کرده، و به جای تکیه بر سارتم‌ها که این هژمونی را در خود جلوه گرمی سازد یعنی سارتم جمهوری دموکراتیک خلق، سارتم را به حزب طبقه کارگر، بسد نام سارتم‌های رویزیونیستی مانند "حاکمیت خلق" و غیره افتادند. در دوران دوم، علیرغم آنکه چریک‌ها در سارتم‌های خود تجدید نظر کردند، ولی عمدتاً تحت تاثیر آن گرایش لیبرالی که عمدتاً از دولت لیبرال‌ها و کمپرادورها و همچنین از جانب لیبرال‌ها که در قدرت سهم نبودند، یعنی دفاع از دولت در مقابل "خودسری" کمیته‌های امام بوده، و مسئله عملکرد های انقلابی این "ارگان" را (در کنار عملکردهای ضد انقلابی) در کنار ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی همان دولت بظا هر لیبرال نمی‌دیدند. بدین گونه آن‌ها زمینه‌یگانه شدن قدرت دوگانه و خالی شدن کمیته‌های امام از هرگونه غلظت انقلابی را تسهیل می‌ساختند. (۲)

رویزیونیست‌های سه جهانی و گرایش رویزیونیستی نوپا (سه جهانی)

در کنار رویزیونیست‌های خائن غروچفسکی، قطب دیگر رویزیونیستی یعنی سه‌جهانی‌های خائن قرار دارند. آنها املاً گرایش عمده دوران ما را نه انقلاب بلکه جنگ می‌دانند، و بدینگونه با عمده کرده تضاد بین امپریالیست‌ها در سطح جهانی، و عمده کردن تضاد تمام خلق‌ها و تمام امپریالیست‌ها با سوسال امپریالیسم شوروی که امپریالیسم نوخاسته است، آشکارا در حرف و عمل آشتی طبقاتی زحمتکشان را با طبقه‌های استثمارگر موعظه می‌کنند. آنها مسئله جنبش توده‌ای و انقلاب را ندیده، بلکه بجای آن سازش خلق و پرولتاریا با یک دسته زنیروهای ارتجاعی علیه یک دسته دیگر زنیروهای ارتجاعی را تبلیغ می‌نمایند. ملهم از این تخریب‌های ارتجاعی که در "نشوری سه‌جهان" تبلور خود را می‌یابد، رویزیونیست‌های سه‌جهانی ایرانی به رهبری "سازمان انقلابی" نیز از همان ابتدای جنبش به مقابله با آن برآمده و به اسم آن که تضعیف رژیم "مستقل و ملی" شاه، باعث قوی تر شدن همسایه شمالی در ایران می‌گردد، عملیات حمایت از این رژیم افتادند. وقتی گسه علیرغم خواست ارتجاعی آنها، رژیم ضد خلقی شاه خائن سرنگون شد، بلافاصله پس از قیام مبهمن ماه، به حمایت از دولت لیبرال‌ها و کمپرادورها پرداخته و برای میا رزه‌ها سوسال امپریالیسم زیر پرچم "امام خمینی" گرد آمدند! مضحک تر از همه این است که آنها تمام سارتم‌های "ضد کمونیستی" را که توده‌ها بدلیل ناآگاهی خود به تقلید از "مرجع تقلید" خود می‌دهند بحساب "سارتم‌های ضد شوروی" گذاشته، و بدینگونه به شعله ور کردن احساسات ضد کمونیستی آنها هنگامی که لشکرکشی سبانه و قسرون وسطائی هیئت حاکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران به کردستان شروع شد و خائنینی‌ها کرده‌ها و از این تکیه‌گشا رطلق کرد می‌توانند از نفوذ همسایه شمالی در انقلاب ایران جلوگیری کنند، شادی‌ها کردند. این ارتجاع عمون خود فروخته، نمی‌توانند در کنگره جلوه‌گیری از نفوذ سوسال امپریالیسم شوروی در انقلاب ایران، تنها از طریق دامن

(۲) - مادر آینه در ادامه همین بحث بطور مشروح و مستند این نظرات را مورد بررسی قرار خواهیم داد. و در اینجا فقط به خطا بی‌سازمان چریک‌های فدائی خلق به آقای بازرگان "چه کسی باید از حقوق مردم دفاع کند؟" (۵۷/۱۲/۲۴)، کار شماره ۲، ارجاع می‌دهیم.

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرال‌های سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

جامعه سرمایه‌داری وابسته با جامعه سرمایه‌داری کلاسیک و غلامه با حدا کردن جنبش کارگری از جنبش دموکراتیک، در واقع بهمان نتایجی می‌رسند که رویزیونیست‌ها می‌رسند، یعنی: تنها گذاردن پرولتاریا و دنیا له روی از دیگر اقشار و طبقات.

● "اکنونیسم" فقط حرکت اقتصادی طبقه کارگر را دیده و از حرکت سیاسی آن غافل است و "شبه تروتسکیسم" با تکیه یک جانبه بر تضاد کار و سرمایه، تضاد عمده یعنی تضاد خلق و امپریالیسم و ارتجاع داخلی را نمی‌بیند و هر دو در این نقطه با یکدیگر تلاقی می‌کنند که جنبش را که تحت هژمونی خرده پروروازی در آمده است ناچیز خرده و از شرکت فاسد در آن سر باز زنند.

می‌دانیم که در عصر امپریالیسم، فقط این پرولتاریا است که می‌تواند انقلاب دموکراتیک را رهبری کرده و به سرانجام برساند و هیچ یک از اقشار غیر پرولتاری قادر به چنین کاری نیستند. اما از این قانون مندی صحیح، نمیتوان به چنین نتیجه‌گیری غلطی رسید که چنانچه تحت شرایط مساوی یک نیروی خلقی به‌ها کمیت رسید، این نیروی می‌تواند تحت شرایط مساوی و تا حدود همین هم زلفاظ ذهنی (پرورش انقلابی شده‌ها) و هم زلفاظ عینی (رشد نیروهای مولد مستقل از سیستم امپریالیستی) اقدامات ترقی خواهانه انجام دهد، هر چند که بدون شک چنانچه رهبری پرولتاریا و حزب آن را در پیرویه زمان نپذیرد، بدون شک جامعه را به عقب، یعنی به سیستم وابسته امپریالیسم برخواهدگرداند. تروتسکیست‌ها قادر نیستند که فرق بین ناصر و مادات را دیده‌ها و این استحال را که نزدیک به ۱۸ سال طول کشید در یک چشم بهم‌زدن طی میکنند. پرولتاریا بی‌عمر هیچگاه نمی‌بایست بوده‌ها را به دنیا له روی از نا مر می‌کشاند، اما می‌توانست و می‌بایست تا زمان معینی از اقدامات ترقی او که تا حدود معین ترقی وینفع انقلاب و نیروهای انقلابی بود حمایت مشروط میکرد. تروتسکیست‌ها هیچ تفاقا و حتی بین رژیم‌ها سرور و مبادات نگذاشته و همه را با یک چوب می‌چیند. این افکار بنا بر دیت، از اینجا ریشه می‌گیرد که تروتسکیست‌ها اصولا مسئله ضرورت انقلابات دموکراتیک را در کشورهای تحت سلطه در عصر امپریالیسم نفی کرده، و تا ما انقلابات را از انواع انقلاب سوسیالیستی میدانند. آنها مسئله وابستگی اقتصاد، صنایع، بانکها، سیاست و فرهنگ کشورهای تحت سلطه امپریالیسم را به امپریالیسم ندیده، و تفاقا و حتی میان استراتژی انقلاب این کشورها با استراتژی انقلاب کشورهای سرمایه‌داری اروپا نمی‌گذارند. آنها وجود متحدین را که پرولتاریا در اثر این وابستگی به امپریالیسم در کنار خود دارد ندیده گرفته و با ارتجاعی و ضد خلقی خواندن این متحدین عملا پرولتاریا را در انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی تک و تنها می‌گذارند. آنها هیچگونه تفاقا و حتی میان ساخت سرمایه‌داری وابسته ایران و استراتژی انقلاب دموکراتیک آن با ساخت سرمایه‌داری آزاد و استراتژی انقلاب سوسیالیستی نگذاشته و علیرغم آنکه در حرف سخن از سرمایه‌داری وابسته می‌گویند ولی این وابستگی را عملا محدود به یک "پدیده خارجی" میکنند و مسئله متزاج این وابستگی را با بندهند اقتصاد سیاست این جامعه در نظر نمی‌گیرند. آنها با موزاندن یک مرحله از انقلاب ایران جنبش خلق را به شکست و مانند در پشت درهای انقلاب دموکراتیک واگذار میکنند.

این گرایشات شبه تروتسکیستی عملا (و نه در حرف) هیچگونه تفاقا و حتی میان حرکت پروروازی ترقی خواه قرن نوزدهم و حرکت ارتجاعی سرمایه امپریالیستی در ایران دهه ۳۰ نگذاشته و میان حرص و ولع ارتجاعی خرده پروروازی آن عمر که منبوعا نمی‌گوشید از قبیل سوداگاری صنایع و پیشه‌وری خود در قبال پروروازی ترقی خواه دفاع کند، با حرکت ترقی خواهانه خرده پروروازی ضد امپریالیستی ایران در برابر سرمایه امپریالیستی تفاقا و حتی نمی‌گذارد. بدینگونه خرده پروروازی را ارتجاعی می‌خوانند، بدون آنکه در نظر بگیرند که تنها و تنها در عصر امپریالیسم این پروروازی امپریالیستی و پروروازی کمپرادور وابسته به آن است که ارتجاع تاریخی است و ارتجاع فئودالی هم که به عصر گذشته تعلق دارد تنها در پیوند با تکیه بر این ارتجاع جهانی میتواند به معنی انگلی خود ادا شده‌ها.

زدن به انقلاب، تنها از طریق افشاء و طرد خاشاک و لیبیرال‌ها از صحنه جنبش، و تنها از طریق کار کمونیستی در میان توده‌ها امکان پذیر است، و نه دعوت خلق بهما زش با خدا انقلاب و ارتجاع، نه با موعظه از طبقاتی و تسلیم طلبی، گرایش که تحت تاثیر این قطب رویزیونیستی حرکت خود را در انقلاب ایران نمایش میدهد، گرایش اتحادیه کمونیستی‌های ایران (۳) و سیستم فکری منسوب به آن است. آنها که در دوران اول انقلاب، سلطت دیدگاه کمونیستی خود را ماسل انقلاب جامعه سرمایه‌داری وابسته ایران و آرایش نیروهای طبقاتی، آنرا با جامعه نیمه مستعمره و نیمه فئودال چین و آرایش نیروهای طبقاتی آن سبب اختباه گرفته بودند، پروروازی لیبرال خباث پشه ایران را با پروروازی حلی یک کشور نیمه مستعمره نیمه فئودال اختباه گرفته و دموکراتیسمی را که این پروروازی حلی بدلیل اشکاء اقتصادی اش به تولید و با زار داخلی میتواند ادا باشد، با خباث پشگی پروروازی لیبرالی که در سیستم سرمایه‌داری وابسته اما به تولید داخلی متکی نبوده و پروروازی متوسط غیر وابسته را تشکیل میدهد، هوشی گرفته و بدین گونه آنها به جای سیاست افشاء و طرد پروروازی لیبرال ایران، سیاست "حمایت مشروط" از این پروروازی خباث پشه را در پیش گرفته و از آقا با ن سنجایی‌ها و فروهرها با خواهش و تمنا می‌خواستند که دست از "خیال پرسی" برداشته و اصله بدست گیرند! آنها خوش خیالی خود را در قبال خباث پشگی پروروازی لیبرال نشان داده، و عملا با سیاست‌ها و شعارهای خود، مردم را بسوی پیروی از آن می‌کشاندند. در نتیجه همین سیستم فکری بود که حتی در روزها که کاکابینه بختیار به سر کار آمده بود، "حقیقت داخل" سخن را بسوی "دموکرات" خوانده، و از رجال‌های کمی می‌کردند خباث پشگی، خلق را به سازش با امپریالیسم و ارتجاع ملطنتی بکشاند، تفاقا و واقع بینی نمی‌کردند! سرچشمه "اختباهات" و "انحرافات" آنها، همان دگمات سیستم فکری و انگومیزی آنها از انقلاب چین بود. بخشی از اتحادیه همان زمان هنوز همه حمایت از "ثوری انقلابی" همچنان "پرداخته" و سعی می‌کردند با این ثوری و به اصطلاح "پرداخت ارتجاعی" از آن فرق بگذارند، تا اینکه موقتاً التفاق خود را شکسته و خوشبختانه خود را از افتادن به دامان رویزیونیستی‌های سبجانی نجات داد، اما ما همچنان در دوران بعدش وجود بقایای ریشه‌ها را این گرایشات در شما می‌بینیم "اتحادیه" هستیم. مثلا در دوره دوم، حقیقت داخل از شرکت کمونیست‌ها در کمیت‌های اما بمقدد دموکراتیک کردن این ارگان‌ها صحبت کرده و بدون آن که در نظر بگیرد اینها ارگان‌های خرده پروروازی مرفه‌ی هستند که بین انقلاب و ضد انقلاب در حال نوسان است، عملا توده‌ها را به دنیا له روی از آن دعوت میکرد.

شبه تروتسکیسم "چپ" و اکنونیسم

در کنار این دو قطب رویزیونیستی و گرایشات رویزیونیستی متاثر از آن ما شاهد پدیده دیگری به اسم شبه تروتسکیسم "چپ" (نظیر راه‌کارگر حزب کمونیست کارگران و دهقانان و...) هستیم که خود را با گرایشات راست اکنونیسمی مخلوط کرده و همپوشانی یک خط "چپ" را با یک خط راست اکنونیسمی نشان میدهد.

این گرایش شبه تروتسکیستی، (اگر چه در اوائل تاملات خود را بهمان می‌کرد ولی اکنون دیگر به مرحله دعوت آشکار خود رسیده است) برخلاف رویزیونیست‌ها که مسئله ضرورت هژمونی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک در عصر امپریالیسم را نمی‌بینند، بلرزم این هژمونی به اصطلاح باور دارد، ولی از آن طرف افتاده اصولا با نفی انقلاب دموکراتیک، با نفی لزوم اتحاد بین پرولتاریا و دیگر متحدین یعنی دهقانان و خرده پروروازی در انقلاب دموکراتیک، با نفی ضمنی و عملی تفاقا و

(۳) منظور ما در اینجا سیستم فکری اتحادیه کمونیست‌ها است و نه لزوماً شما مگروه‌هایی که از این سیستم فکری نشأت گرفته‌اند. مثلا حقیقت خارج "تا همین اواخر که دوباره گرایش سبجانی" اش مود کرد، ظاهرآ در زیر ابره‌یشت حاکمه موضع انقلابی و حتی "چپ" می‌گرفت ولی اکنون که با دیدگر به سیستم فکری خود با زکشته است ظاهرآ با بد زکجروپه‌ها و چپ روی‌های گذشته خود انتقاد کند، از طرف دیگر بنظر میرسد "شریبه زحمت" در جهتی خلاف این سیرکام برداشته است. در آینده به این موضوع مفعلا خواهیم پرداخت.

بیشتر و جنبش کمونیستی تا زه خود را از جنبش تمام خلقی " منی چریکی " رها کرده و میخواهد منجر به یک جنبش طبقاتی گردد، غلبان جنبش خلقی اجازت نمیدهد که این کمونیستهای " دیرآمده " از طریق آن کار تبلیغی و ترویجی و سازماندهی و سوسیال دموکراتیک عادی که خاص دوران آراش

● اکنون میسیم بعنوان یک سیاست تنها به جنبش اقتصادی طبقه کارگر بها میدهد و جنبش سیاسی دموکراتیک را نادیده میگیرد . تروتسکیم نیز بعنوان یک ایدئولوژی فقط انقلاب سوسیالیستی را دیده و از درک ضرورت انقلاب دموکراتیک عاجز است . این است آن نقطه اشتراکی که سیاست اکنونیستی راست را با تروتسکیم بظاهر " چپ " پیوند میدهد .

جامعه است استفاده کرده و در میان طبقه کارگر به " شکلیاتی " پیوسته کنند و " از آنها می خواهد که با شیوه های خاص دوران اعتلا انقلابی به پیوند با جنبش طبقه کارگر بپردازند . اما از آنجا که جنبش طبقه کارگر بصورت خودبخودی بدنیاال جنبش خلقی گشاده و حتی تا مرکز قهر انقلابی بوده ای نیز پیش رفته است ، کمونیستهای " دیرآمده " نمی توانند وجه مشخصه این شرایط را درک کرده و از ترس با زکشت به منشی چریکی و " جنبش تمام خلقی " سابق خود اذرک شیوه های خاص پیوند با طبقه کارگر این شرایط ، که مرکز ثقل پیوند با طبقه کارگر در جنبش توده انقلابی و قیام ناگزیر آن قرار داده است ، بازمی مانند .

اکنون میسیم بعنوان یک سیاست تنها به جنبش اقتصادی طبقه کارگر بها میدهد و جنبش سیاسی دموکراتیک را نادیده میگیرد . تروتسکیم نیز بعنوان یک ایدئولوژی فقط انقلاب سوسیالیستی را دیده و از درک ضرورت انقلاب دموکراتیک عاجز است . این است آن نقطه اشتراکی که سیاست اکنونیستی راست را با تروتسکیم بظاهر " چپ " پیوند میدهد .

آنها خرده سوزواری مرفه سنتی را به لحاظ شکل ایدئولوژیکی که متعلق به گذشته است ارتجاعی میخواهند و بدین گونه در تحلیل خود از روستا حرکت می کنند . حال آنکه با بد در نظر گیرند که محتوای ایدئو - لوژی خرده سوزواری مرفه سنتی تاریخی که این فشرده صرف انقلاب قرار داد ردفرتی خواهد بود و ضدا مبریا لیستی است و فقط هنگامی که به ضدا انقلاب پیوست جنبه ضدا انقلابی می باید .

آنها تفاوتی میان " ضدا انقلاب " و " ارتجاع " نمی گذارند . و الزماً ارتجاع و ضدا انقلاب را یکسان می بینند . لذا در ارزیابی نیرو - شی که بنا بر موقعیت طبقاتی اش و تحت شرایط مشخص به ضدا انقلاب نمی پیوندد و تحت شرایطی امکان بازگشتش به صف انقلاب وجود دارد ، دچار اشتباه می شوند و آنرا بعنوان ضد خلق ارزیابی میکنند .

این " ولتر اچپ " شبه تروتسکیمی خود را در دوره اول انقلاب هم نوا با یک خط راست اکنونیستی نشان داد ، چیزی که بنظر میرسد متناقض باشد . ولی این امر واقعیت دارد ، این خط " ولتر اچپ " شبه تروتسکیمی آن چنان خود را با خط راست اکنونیستی هماهنگ نشان میدهد که غالباً در آن دوران نمی توان آن دور را از یکدیگر تمیز داد . هر دو به جنبش دموکراتیک و ضدا مبریا لیستی که در حال غلبان است و نه تنها اقشار دموکرات خلق بلکه طبقه کارگر را نیز بدنیاال خویش کشیده است و نمی نمی گذارند . و آنرا بدلیل عدم وجود صف مستقل طبقه کارگر و فقدان حزب کمونیست خوا ر شمرده و صرفاً جنبش خرده سوزواری می دانند . و از آنجا که یکی (اکنون میسیم) فقط حرکت اقتصادی طبقه کارگر را دیده و از حرکت سیاسی آن غافل است و دیگری (شبه تروتسکیم) با تشکیک جانشین بر تخطا دکاروسرما به تخطا دعهده یعنی تخطا دخلق و امیر - بالیسیم و ارتجاع داخلی را نمی بیند و در این نقطه با یکدیگر تلاقش میکنند که جنبش را که تحت هژمونی خرده سوزواری درآمده است تا چه بسز شمرده و از شرکت فعال در آن سرباز زنند . در واقع در هنگامیکه بخش

اول ژانویه یازدهم دیماه
مصادف است با
تولد انقلاب فلسطین
یعنی عید خلق فلسطین!



هموطنان مبارز! رفقای گرامی!
ما زمان ما همواره با
پشتبانی و حمایت همه جا نه شما
توانستید است اهداف انقلابی خود
را پیش برد . کمکهای مالی خود
را از هر طریق که می توانید به
دست ما برسانید .

* با رأی یک دادگاه عالی آلمان فدرال:
۴ میلیون مارک سهم ایران
در اروپا آلمان توقیف شد
(روزنامه باعداد - شنبه ۱۰ آذرماه ۵۸)

قبل از این نیز خلق ما شاهد بوده است که آمریکا :
• خرید نفت از ایران را قطع کرد ،
• صدور برنج و دیگر کالاها را به ایران قطع کرد ،
• ارزهای ایران را در بانکهای خود مسدود ساخت ،
.....

اما آیا هیئت حاکمه ایران از ۹ ماه پیش تا کنون حتی یک دلار سرما به خارجی را معادله کرده است ؟ چه چیزی باعث شده که امیر بالیسیم در مقابله با غروش خلقهای ما ، که حتی منطقه را به لرزه درآورده است ، از موضع بالا برخورد کند و جنگ اقتصادی بر علیه ما برآورد ؟ جز این است که دولت خباثنگار بازرگان ، تا می توانست با امیر بالیسیم ها همراهی کرد ، و " سوزای انقلاب " نیز در این راه به او کمک کرد ؟ اما آیا بار دیگر خلقهای ما اجازه خواهند داد سیاستهای ۹ ماه اخیر ادامه یابد ؟ مسلماً نه !

" مرگ بر امیر بالیسیم آمریکا و حامیان او "
" ننگ و نفرت بر سازشکاران و میوه چنان انقلاب ما "

" سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

۱۳۵۸/۹/۱۱

تراکت شماره ۳ - سری ب

خلقهای قهرمان ما برای امیر بالیسیم آمریکا گورستان تدارک خواهند دید